



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اصول عملیه

موضوع جزئی: مقدمات - مقدمه نهم: تقدم امارات بر اصول عملیه - ملاک تقدیم امارات - قول سوم: حکومت - مصادف با: ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۴۷

تقریب اول - تقریب دوم

سال هفدهم

جلسه: ۲۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در وجه تقدم امارات بر اصول عملیه بود. تا اینجا چند جهت و ملاک ذکر شد: وجه اول، تعارض و تخصیص بود؛ وجه دوم، ورود بود که خود سه تقریب دارد. این دو وجه به صورت مبسوط مورد بررسی قرار گرفت.

قول سوم: حکومت

طبق این قول امارات بر اصول عملیه حکومت دارند. مرحوم شیخ (رحمة الله علیه) و دیگران، مانند محقق نائینی و برخی دیگر، معتقدند امارات بر اصول عملیه حاکم هستند. ولی در اینکه حکومت چگونه است، اختلاف یا حداقل تفاوت در تعبیر وجود دارد. دو تقریب را ما در اینجا ذکر می‌کنیم: اول تقریبی که مرحوم شیخ دارند و دیگری تقریبی که محقق نائینی دارند. قهراً تفاوت این دو تقریب نیز باید روشن شود.

تقریب اول

مرحوم شیخ در رسائل تصریح می‌کند که: «فهو حاکم علی الاصل لا مخصص له»؛ اماره بر اصل حاکم است، نه مخصص آن. سپس خود ایشان می‌فرمایند: «اذ لا نغنی من الحکومه الا ان یکون رافعا لموضوع الآخرة تعبداً و تنزیلاً» زیرا مقصود از حکومت این است که دلیلی، رافع موضوع دلیل دیگر باشد.

این ملاک با ورود تفاوت دارد. در ورود نیز بحث از رفع موضوع بود. در اینجا نیز بحث از رفع موضوع دلیل دیگر است. در ورود، رفع موضوع به این معنا بود که با یک دلیل، موضوع دلیل دیگر مرتفع می‌شود؛ مثل اینکه گفته شود «خبر الواحد بیان» در مقابل «قبح عقاب بلا بیان» یعنی برائت عقلی. در آنجا گفته می‌شود عقاب بلا بیان قبیح است؛ وقتی دلیلی مثل «خبر الواحد بیان» وارد می‌شود، این موضوع دلیل دیگر یعنی عدم البیان را از بین می‌برد. اما در اینجا مسئله این نیست که موضوع آن دلیل را از بین ببرد، بلکه تنزیل می‌کند شرعاً آن دلیل را منزله الرافع.

به تعبیر خود مرحوم شیخ توجه کنید: «ان دلیل الاماره و ان لم یکن رافعا لموضوع الاصل کالدلیل العلمی» دلیل اماره مانند دلیل قطعی و یقینی نیست که موضوع اصل را از بین ببرد. وقتی انسان یقین پیدا می‌کند، قهراً موضوع اصل که شک است از بین می‌رود. دلیل اماره برای از بین بردن آن نمی‌آید. دلیل اماره، شک و جهل به واقع را از بین نمی‌برد. اگر شما شک داشته باشید، با حصول یقین، این شک قطعاً از بین می‌رود. اما اگر مثلاً نسبت به وجوب نماز جمعه شک داشته باشید و خبری معتبر دال بر عدم وجوب قائم شود، این خبر با اینکه معتبر است ولی جهل به واقع و شک در واقع، حتی بعد از قیام اماره نیز باقی است. به همین جهت

است که شیخ می‌فرماید: «ان دلیل الاماره و ان لم یکن رافعا لموضوع الاصل کالدلیل العلمی، الا أنه نزل شرعا منزلة الرافع» این شرعا نازل منزله رافع است، تنزیل منزله الرافع می‌کند؛ یعنی به صورت تعبّدی و تنزیلی، این را به عنوان رافع قرار بده. بنابراین، دیگر شک نداشته باش، گویی وقتی اماره قائم می‌شود مانند یقین است.

پس اماره با اینکه موضوع اصل را مرتفع نمی‌کند اما چون شرعا نازل منزله رافع واقع می‌شود لذا می‌گویند حکومت دارد. بنابراین، در دایره موضوع، به صورت تعبّدی توسعه داده می‌شود. موضوع فقط حکم یقینی و قطعی و وجوب یقینی و قطعی بود. حال اگر اماره‌ای نیز بر حکم قائم شود با اینکه یقین حاصل نمی‌شود و قهراً موضوع اصل از بین نمی‌رود، (زیرا موضوع اصل شک است و اماره وقتی می‌آید باز هم شک باقی است؛ موضوع اصل جهل است و اماره وقتی می‌آید، همچنان جهل به حکم واقعی کماکان در جای خود محفوظ است، پس موضوع اصل حقیقتاً از بین نرفته است. تنها چیزی که موضوع اصل را حقیقتاً از بین می‌برد، یقین است. و اینجا یقین مسلماً محقق نمی‌شود). اما با این حال، به خاطر همین تنزیل منزله الرافع تنزیل منزله العلم و الیقین، حاکم بر اصل می‌شود.

این محصل تقریب مرحوم شیخ از حکومت امارات بر اصول عملیه است: گویی دایره موضوع به صورت تعبّدی توسعه پیدا می‌کند.

تقریب دوم

محقق نائینی تقریباً همین تقریب را با یک تعبیر دیگر و البته با برخی اضافات ارائه کرده است. ایشان نیز معتقد است امارات بر اصول عملیه حاکم هستند. اما تعبیر آقای نائینی «تنزیل منزله الرافع» نیست؛ تعبیر ایشان «تنزیل منزله کاشف تام» است. همان‌گونه که علم و یقین و قطع کاشفیت تامه دارند، اماره نیز به واسطه دلیل حجیت، به منزله کاشف تام قرار می‌گیرد. لذا اینکه گفتیم تعبیر متفاوت است؛ به این دلیل است که ایشان می‌گویند دلیل اماره، موضوع اصل را توسعه می‌دهد، به این معنا که مفاد و مؤدای اماره را نازل منزله علم و یقین می‌کند حالا یا به صورت تعبّدی یا تنزیلی. اماره مسلماً کشف تام ندارد؛ کاشفیت اماره ناقص است، اما شارع می‌آید این ناقص را نازل منزله کاشفیت تام قرار می‌دهد؛ این ظن را نازل منزله علم قرار می‌دهد.

پس ببینید تعبیر متفاوت است: مرحوم نائینی از «تنزیل منزله العلم والیقین» استفاده می‌کند، اما مرحوم شیخ از «تنزیل منزله الرافع». حال آن رافع خودش همان یقین و قطع است. پس از این جهت تفاوت آنچنانی ندارند. یک جا تعبیر به علم و یقین به کار رفته، یک جا تعبیر کشف تام و کاشفیت تامه.

علاوه بر این، محقق نائینی در مورد حکومت می‌فرماید: ما یک «حکومت ظاهری» داریم و یک «حکومت واقعی». حکومت واقعی مربوط به احکام واقعی است؛ یعنی اگر دلیل حاکم و دلیل محکوم هر دو حکم واقعی باشند، این حکومت، واقعی است مثل «اذا شککتَ بَیْنَ الثَّلَاثِ وَالْأَرْبَعِ فَأَبْنِ عَلَى الْأَكْثَرِ» یا «عَلَى الْأَرْبَعِ». می‌گویند اگر بین سه و چهار شک کردی، بناء را بر چهار بگذار. این حکم واقعی است. این ربطی به اصل ندارد، پس این حکم واقعی تکلیف را در مواقع شک بین سه و چهار معلوم کرده که بناء را بر چهار بگذاریم. بعد یک حکم دیگری آمده: «لا شک لکثیر الشک». این نیز یک حکم واقعی است؛ می‌گویند کسی که زیاد شک می‌کند، مانند کسی است که شک ندارد، به شکش اعتنا نکند. قهراً این دلیل، حاکم بر آن دلیل است، چون دایره موضوع را تضییق می‌کند. می‌گویند کسی که بسیار شک می‌کند، گویی شک ندارد؛ تنزیل می‌کند کثیر الشک را منزله عدم شک،

یعنی منزل قطع و یقین. این، کثیرالشک را از دایره موضوع خارج کرده است. اینجا تضییق در دایره موضوع پدید آمده است. پس حکومت واقعی، مربوط به حکومت دلیل یک حکم واقعی بر دلیل حکم واقعی دیگر است.

اما حکومت ظاهری فقط بین احکام ظاهری است مثل اینکه می‌گوییم اصل سببی بر اصل مسببی حاکم است، یا اصل محرز بر اصل غیر محرز حکومت دارد. اینجا هر دو از احکام ظاهری هستند. اصل سببی یک اصل است، اصل مسببی نیز یک اصل است و هر دو از احکام ظاهری محسوب می‌شوند. حکومت یک حکم ظاهری بر حکم ظاهری دیگر، به نام حکومت ظاهری شناخته می‌شود.

پس محقق نائینی می‌فرماید: ما یک حکومت واقعی داریم و یک حکومت ظاهری. حکومت امارات بر اصول عملیه نیز حکومت ظاهری است. حکومت ظاهری در واقع بین احکام ظاهری است.

پس بین آنچه شیخ می‌گوید و آنچه مرحوم نائینی می‌گوید چه فرقی دارد؟

محقق نائینی می‌گوید که اماره به منزله علم است، «تنزیل منزلة العلم والیقین» ولی شیخ می‌گوید این اماره را به منزله رافع بدان. اینکه یکی به منزله علم باشد و دیگری به منزله رافع باشد، اینها با هم فرق دارد. موضوع اصول عملیه شک است. یک نظر این است که اماره که می‌آید، با اینکه خودش از بین‌برنده و زائل‌کننده شک و جهل نیست، اما چون دلیل معتبری است، می‌گوید این اماره را نازل منزله رافع قرار بده؛ کأنه شک تو را برطرف می‌کند. محقق نائینی می‌گوید: آن را منزله علم و یقین قرار بده. لذا سخن از رفع نیست. بین «تنزیل منزلة الرفع» و «تنزیل منزلة العلم» تفاوت هست.

پس مرحوم شیخ و مرحوم نائینی در اینکه ادله امارات بر ادله اصول عملیه حکومت دارند، با هم اختلاف نظری ندارند. اینکه حکومت طبق نظر شیخ عبارت است از «تنزیل اماره منزلة الرفع»، اما طبق بیان محقق نائینی، اماره نازل منزله علم است.

حال آیا واقعاً نظر محقق نائینی و مرحوم شیخ فرق می‌کند؟

این یک مسئله‌ای است که باید روشن شود و اینکه بالاخره ملاک حکومت در تقدّم امارات بر اصول عملیه قابل قبول است یا خیر؟ این نیز مطلبی است که باید روشن شود.

این دو تقریب از حکومت، هم یک اشکالات مشترک‌الورود دارند یعنی اشکالاتی که به هر دو وارد است، هم یک اشکالات اختصاصی نسبت به هر یک از این دو تقریب وجود دارد که ما باید ببینیم آیا این اشکالات مشترک‌الورود و اشکالات اختصاصی در اینجا قابل حل است یا خیر.

«والحمد لله رب العالمین»